

مناجات هنگام خروج از ایران

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



مناجات هنگام خروج از ایران - حضرت بهاء الله - حدیقه

عرفان، صفحه ۶۰ - ۶۳

احرف حمد حقائق و رقائق حمد مخصوص ساحت قدس قرب حضرت سلطانی است که از لطائف بدایع عنایت خود کلّ من فی الملک را از عمآء کافور بعرصه ظهور آورد و جمیع موجودات را از هویه نیستی در عرصه هستی برای ظهور مقصود موجود فرمود و گیاهب هستی موجود ترا بقاء هستی مطلق قائم و مشرف نمود تا کلّ موجودات از غیب و شهود از رحمت واسعه بازمانند و از استوای عرش عدال محروم نگردند و در هرووجود رمزی و از هر رمزی امری مقرر داشت که ساذجیات مجردات هویات اکوان بحرکات گوناگون حرکت نمایند تا تدبیر ملکوت او درعرصه ناسوت ظاهر و هویدا گردد و به هر شیئی فرصتی بخشید و به قدر وسع او قدرت بخشود و بعد تکلیف امر و نهی عرضه داشت تا طغیان و ایمان کلّ معلوم شود و بثمرات أعمال و أفعال خود برسند و به آنچه کسب نموده اند سزاوار شوند لقمان به پسرش ناتان میفرماید ﴿يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾ چگونه میشود از برای احدی مفری و مفری، کلّ در قبضه قدرت او اسیرند همچنانکه سرّ قضا و حرف امضا امیر المؤمنین (ع) میفرماید (کلّ شیء فی قبضة قدرتك أسیر و إنّ ذلك علیك سهل یسیر فسبحان الذی بیده ملکوت کلّ شیء و إنه قد کان علی کلّ شیء قدیر). یا الهی و سیدی و رجائی چگونه وصف نمایم آیات قدس ترا باین زبانی که کالّ است از ذکر ادنی محامد سلطان ازلیت تو و چگونه ملاحظه نمایم آثار انس ترا با این چشمهائی که



ORIGINAL

کور است از مشاهده قص جمال ملیک ابدیت تو و چگونه استماع نمایم الحان ملیح ترا با این گوشهائی
 که کر است نزد تغرد حمایه سرمدیت تو و چگونه ادراک نمایم لطائف بدایع حکمتهای ترا با این هوشی
 که مدهوش است نزد ظهورات تدابیر حضرت قیومیت تو چه لطیف است مکرمت و مرحمت تو که
 فرو گرفته جواهر سازجیات اکوان را و چه بدیع است رحمت و رأفت تو که فرا گرفته اعلی مراتب
 هویات امکان را پاک و منزهی از وصف هر جوهر مجردی متعالی و مقدسی از نعت هر منزّه و مقدسی
 کلّ نعتها در ساحت قدس تو کذب صرف است و جمیع وصفها در فنای انس تو افک محض است قرار
 نفرمودی برای احدی طریقی برای معرفت خود جز عجز نجت و مقرر نداشتی برای نفسی مفری نیستی
 بات. إلهی قصرت الألسن عن بلوغ ثنائک و عجزت العقول عن إدراک کنه جمالك با تمام این نقص و عجز
 ندا میکنم ترا بندای اصفیای تو که ای سلطان من و محبوب من مطمئن فرما قلب ذره فانیرا بر جوع
 بسوی طلعت باقی خود و روشن فرما چشمهای مرا بمشاهده جمال حضرت وهابیت خود و از فوارهای
 نور خود رشحات سُروری عطا فرما و از کأسهای بلور خود طفحات کافوری عنایت نما و از حیاض
 محبت بید ملاطفت شراب انس کرامت فرما تا مستریج شود فوآد من در ساحت حضرت محبوبیت تو و
 منصعق شود عقل من در بساط سلطان مجذوبیت تو همچنانکه عماء کافور و صرف ظهور هویه نور سر
 الموحدین سید الساجدین - روجی فداه - میفرماید (و أجعلني من الذين اطمئنت بالرجوع إلى رب
 الأرباب أنفسهم و قرّت بالنظر إلى محبوبهم أعینهم و من الذين تغرّست أشجار الشوق إليك في حدائق
 صدورهم و أخذت لوعة محبتك بجماع قلوبهم و هم إلى أوكار الأفكار يأون و في رياض القرب و
 المكاشفة يرتعون) خلق فرمودی این ذره دکا را بقدرت کامله خود و پروردی به ایادی باسطه خود
 و بعد مقرر داشتی بر او بلایا و محن را بحیثیتی که وصف آن بیان نیاید و در صفحات الواح نگنجد.
 گردنی را که در میان پرند و پرنیان تربیت فرمودی آخر در غلهای محکم بستی و بدنیرا که بلباس حریر و
 دیبا راحت بخشیدی عاقبت بر ذلت حبس مقرر داشتی قلّدتني قضائك قلّدتني قلائد لا تحلّ و طوّقتني أطواقاً لا
 تفكّ چند سنه میگذرد که ابتلا بمثل باران رحمت تو در جریانست و بلایا از افق قضا ظاهر و تابان و در
 این ایام مقعد انس و محفل امنی برای این عبد مقدر فرمودی. در اول بخدمتکاران با رحمت و رأفت
 تربیت نمودی و در آخر باصحاب غضب و رجال سطوت و گذاشتی بسا شبها که از گرانی غلّ و زنجیر
 آسوده نبودم و چه روزها از صدمات ایدی و السن آرام نگرفتم چندی آب و نان که برحمت واسعه
 بحیوانات صحرا حلال فرمودی بر این بنده حرام نمودند و آنچه را بر خوارج جایز نبود بر این عبد جایز
 داشتند تا اینکه عاقبت حکم قضا نازل شد و امر امضا بخروج این بنده از ایران در رسید با جمعی از عباد

ضعیف و اطفال صغیر در این هنگام که از شدت برودت امکان تکلم ندارد و از کثرت یخ و برف قدرت بر حرکت نیست بعضی از اطفال از مفارقت اخیار آیات فراق قرائت مینمایند و برخی بعلت یأس از وطن و دیار کمتل السلیم ناله میکنند و در بیابان حیرت سرگردان میگردیم و در صحراهای حسرت رجای ترا میطلبیم که شاید نسیم رحمت تو آید و احسان قدیم تو در رسد فَكَلِّمْنَا عَلَىٰ حُسْنِ بَلَاتِكَ وَ سُبُوغِ نِعْمَاتِكَ وَ ظُهُورِ ابْتِلَائِكَ إِذْ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ إِنَّا نَكُنَّا مِنْ فَضْلِكَ سَائِلُونَ.